

## در محکومیت دستگیری، شکنجه و کشتار ستار بهشتی و جمیل سویدی

اخبار فجایع را شنیده ایم، یکی را بیشتر (ستار بهشتی) و دیگری را کمتر (جمیل سویدی) (\*) هر دو را در فاصله سه روز یکی را در زندان اطلاعات کرج و دیگری را در اهواز به طور فجیعی در زیر شکنجه کشتند. اولی کارگر و وبلاگ نویس و دومی یک کارگر جوشکار بود. اما "جرم" شان مشترک بود: هر دو کارگر بودند، آن هم کارگری با "زبان سرخ" که می بایست "سرشان بر باد می رفت"! کارگرانی که ساکت نبودند، اعتراض می کردند، فریاد می زدند، افشاگری می کردند، اطلاع رسانی می کردند، از حق و عدالت و آزادی حرف می زدند و به بی عدالتی، پایمال کردن حقوق خود و هم طبقه ای هایشان و سرکوب و خفقان معترض بودند. اما نظام سرمایه و دستگاه های قضایی، امنیتی و پلیسی اش، این همه را بر نمی تابد. لازمه حفظ چنین نظامی، به انقیاد درآوردن همه مردم، مطیع و گوش به فرمان واداشتن آنها و خفه کردن هر صدایی - به خصوص صدای رسای کارگران، که آنان را دشمن واقعی و خطرناک در مقابل خود دانسته و به طریق اولی گور کن خویش می داند- به هر شیوه و هر شکلی است تا با ایجاد رعب و وحشت، آنها وکل جامعه را از هر نوع حرکت و صدایی باز دارد.

ستار و جمیل را به فاصله کوتاهی با همین هدف در زیر شکنجه کشتند تا از کارگران، بویژه کارگران دربند زهر چشم بگیرند، بگذار تا این بی خبران "قدرت نمایی" کنند و سیطره ننگین و جنایت بار خود را به بهای جان عزیز این کارگران حفظ کنند! اما این اولین بار نبود که با این شیوه و با این هدف، انسان هایی را در مسلخ های شان به خون می نشانند، ده ها مبارز دیگر در بیش از سه دهه و بویژه ماه های اخیر در زندان های تبریز، اهواز، حمیدیه، دزفول، شوش، بلوچستان، اوین و کهریزک در زیر شکنجه جلادان رژیم جان باختند، در این مدت، اما نه فعالین کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی از مبارزه دست کشیدند و نه رژیم از کشتار. ولی فریادها و اعتراضات می رود که رساتر گردد، چرا که مبارزات کارگران ریشه عمیق داشته و از تضادی واقعی و ساختاری سر چشمه گرفته و لذا مبارزات کارگران بویژه از طرف فعالین آن گسترده تر می شود. در مقابل، جلادان نیز کینه توزتر، وحشی تر و خون خوارتر شدند. و این تقابل همچنان ادامه خواهد داشت تا زمانی که مبارزات گسترده جنبش های اجتماعی و در پیشاپیش آنها طبقه کارگر به سرنگونی این رژیم ارتجاعی غارتگر، جنایتکار، وحشی و ضد بشری به همراه سرمایه دار منجر شود. بیائید با رساتر کردن صداهای اعتراضات خود، با انعکاس وسیع اخبار این جنایات، با تشکل و مبارزاتی متحدانه، در نزدیک شدن پایان این نظام ننگین همراه شویم. نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

آبان ماه ۱۳۹۱ - نوامبر ۲۰۱۲

[nhkommittehamahangi@gmail.com](mailto:nhkommittehamahangi@gmail.com)

[/http://nahadha.blogspot.com](http://nahadha.blogspot.com)

[boltanxaberi@gmail.com](mailto:boltanxaberi@gmail.com)

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

## ستار بهشتی، وبلاگ‌نویس، زیر شکنجه کشته شد



بنا بر گزارش‌ها ستار بهشتی وبلاگ‌نویس که در روزهای اخیر توسط "پلیس فتا" بازداشت شده بود، زیر شکنجه ماموران کشته شده است. عموی این وبلاگ‌نویس می‌گوید، علت فوت را جويا شدیم ولی به ما گفتند "خفه شويد" و به شما ربطی ندارد.

بنا بر گزارش‌ها ستار بهشتی "وبلاگ‌نویس و از فعالان شبکه‌های اجتماعی"، ۳۵ ساله زیر شکنجه ماموران امنیتی کشته شده است. مادر ستار بهشتی روز سه‌شنبه ۱۶ آبان به سایت "سحام‌نیوز" گفته است: «از ما خواسته اند فردا صبح پس از هماهنگی با ماموران به کهریزک مراجعه کنیم و جنازه را تحویل بگیریم». عموی ستار حسینی نیز گفته است: «تا امروز هیچ خبری از وی نداشتیم. تا اینکه امروز دامادمان را احضار کرده‌اند و به وی می‌گویند که ستار فوت کرده و به مادر و خواهر وی اطلاع دهید. هنگامی که علت فوت را جويا شدیم به ما گفتند خفه شويد و به شما ربطی ندارد».

در همین زمینه سایت "بازتاب" نیز در گزارشی با عنوان "درگذشت یک وبلاگ‌نویس حین بازجویی، نگذارید به سرنوشت پرونده کهریزک تبدیل شود" نوشته است، درگذشت تاسف‌بار این جوان که احتمالاً به دلیل قصور یا تقصیر عوامل دخیل در پرونده وی صورت گرفته است، یادآور خاطرات تلخی نظیر مرگ زهرا کاظمی در زندان اوین، مرگ زهرا بنی یعقوب، پزشکی در همدان، مرگ هاله سحابی و پرونده کهریزک است که تا کنون، هیچ یک به نتیجه قطعی نرسیده است.

آن‌طور که در گزارش سایت بازتاب آمده است: «رسیدگی دقیق و علنی به پرونده ستار بهشتی و محاکمه قاصران و مقصران این پرونده، انتظاری است که افکار عمومی از مقامات قضایی، به ویژه دادستان تهران دارند تا بدون اثرپذیری از فشارها، اعتماد مخدوش شده به اقتدار دستگاه قضایی در پرونده های مذکور را ترمیم کند».

پیش از این "سایت کلمه" از قول شاهدان عینی از زندان اوین گزارش داده بود که وی در بازجویی‌ها به شدت مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفته و آثار کبودی و شکنجه بر تن و صورت و سر این زندانی سیاسی مشهود بوده است.

### دستگیری ستار بهشتی در منزل

بنا بر این گزارش‌ها ستار بهشتی یکشنبه ۷ آبان (در چند گزارش این تاریخ سه‌شنبه ۹ آبان ذکر شده است) ۲۸ اکتبر، با یورش ماموران امنیتی به منزل پدری‌اش در رباط کریم دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل شد. زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ زندان اوین که ستار بهشتی یک شب را در آنجا سپری کرده بود، روایت کرده‌اند که بدن این جوان زیر ضرب و شتم له شده بود و به گفته آن‌ها حتی یک جای سالم در بدنش نبود. بر این اساس ستار بهشتی که در بازجویی‌ها تحت فشار برای اعتراف و پذیرفتن خواست بازجویان پلیس فتا بوده است، پس از مقاومت به صندلی بسته می‌شده و مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفته است.

فاطمه بهشتی خواهر ستار بهشتی نیز گفته است که شوهر او را خواسته‌اند و به او گفته‌اند "برو مادرش را آماده کن، قبر بحر، فردا بیا جنازه را تحویل بگیر". به گفته خواهر ستار بهشتی وقتی ماموران برادرش را برده‌اند، او سالم بوده و حتی قرص سردرد هم نمی‌خورده است. خواهر ستار بهشتی همچنین درباره تهدید خانواده توسط ماموران امنیتی می‌گوید که: «گفته اند با هیچ‌جا مصاحبه نکنید، اگر مصاحبه کنید پدرتان را در می‌آوریم. داداشم کاری نکرده بود، چی کار مگر کرده بود؟ از آن سه‌شنبه که (ستار را) بردند تا الان هیچ خبری ازش نداشتیم که امروز خبرش را برایمان آوردند».

بنا بر گزارش‌ها تا ظهر روز چهارشنبه ۱۷ آبان (۷ نوامبر) هنوز جنازه این وبلاگ‌نویس توسط پزشکی قانونی کهریزک به خانواده او تحویل داده نشده است.



**جمیل سویدی (۴۵ ساله) شهروند عرب اهوازی ساکن در منطقه لشکر آباد تحت شکنجه نیروهای امنیتی کشته شد**

به گزارش فعالان حقوق بشری از اهواز جمیل سویدی کارگر یک کارگاه جوشکاری است و حدود یک ماه گذشته به دست نیروهای امنیتی بازداشت شده بود. هنوز از چگونگی و دلایل بازداشت این شهروند عرب گزارشی در دست نیست. بنا به گزارش های رسیده، خانواده جمیل سویدی طی یک ماه گذشته مراجعات مکرر اما بی نتیجه به مراکز امنیتی و انتظامی در اهواز داشته‌اند.

گزارشگران حقوق بشری می گویند جنازه جمیل سویدی به شکل کاملاً اتفاقی توسط یکی از آشنایان او در سردخانه پزشکی قانونی دیده شده و به خانواده او اطلاع داده می شود. جنازه جمیل سویدی هنوز به خانواده او تحویل داده نشده و پیگیری خانواده او برای کشف دلایل بازداشت، شکنجه و چگونگی مرگ او تا به حال به نتیجه نرسیده است.

پیش از این نیز شش فعال سیاسی عرب اهوازی به نام های غیبان عبیداوی از حمیدیه، محمد چلداوی از اهواز، رضا مگامسی از دزفول، محمد کعبی از شوش و ناصر آلبوشوکه از اهواز و علیرضا غبیشاوی از اهالی خلفیه نیز زیر شکنجه کشته شده بودند.

جمیل سویدی کارگر جوشکار بود و برادرش جلیل - که از جمیل بزرگ تر است - در سال شصت یا شصت و یک به جرم " خلق عرب" و ارتباط با گروه های چپ دستگیر شد و پس از سه سال آزاد گردید اما با حالتی آمیخته با جنون که ناشی از شکنجه های فراوان در زندان اهواز بود. پس از سه سال جلیل سویدی حالت طبیعی اش را باز یافت. واکنون نوبت برادر ایشان رسید که به این شکل جان ببازد. ایشان اهل لشکر آباد است و همین بچه های عرب لشکر آباد بودند که در اوایل انقلاب شماری از بچه های چپ غیر عرب را نجات دادند و یکی از اتهامات جلیل سویدی نیز همین بود بنا به گزارشات رسیده خانواده جان باخته جمیل سویدی شدیداً تحت کنترل مأمورین هستند، همسایه ایشان اعلام کرده: این کنترل آنقدر زیاد است که ایشان مجبور شدند به شهرستان دیگری جهت مراسم عزاداری بروند